

اگر هزار قلم داشتیم

اگر هزار قلم داشتیم

هزار مرتبه هر روز همانو می نوشتیم

حماست ای و سرودی نه

به نام آزادی

که هیچ کس نبود بنده ی کسی دیگر

که راه در رسم اسارت رود ز یادش

کسی نباشد مقام

غلام آزادی

اگر هزار زبان داشتیم

زبان رسا

به هر چه هست زبان در سرالر دنیا

به خلق آبی گرفتار ظلم ما گفتیم

به رقیب آبی اسارت اگر که تیره زیند

گرفته آید همه استعما آزادی

هزار سال دیگر گرز خاکه بر خنیم

در هم به عین وعد الله سلام آزادی

هزار سال دیگر

نسل های انسانی

ز یک ستاره به سوی ستاره ای دیگر

چو هم روزند دیدار هم به بهمانی

ز دوج آبی بجای مانده بگینند آنها

ز عهد پر شرما

پیام آزادی

اصول  
میرزا

۲ ۲ ۲

شهرت اصل شکر در  
کجای

اگر هزار ساله  
داستان

اگر هزار ساله داستان  
هزار خانه که بر یک هزار مغیره است  
هزار مرتبه هر روز همانو است  
عاشق و سرودی به نام ازادی  
که بیچسب نبود بنده کسی دیگر  
که راه و رسم اسارت رو در یاد برید  
کسی نیاید حتی غلام ازادی  
اگر هزار زیاده داستان زیاده را  
به هر چه زبان در سراسر دنیا  
به حقوق می گرفتند غلام می گفتند  
به هر چه می اسارت اگر که تیره زیند  
گرفته اند چشم ، انعام ازادی .

به روی سنگ تمام به سعه بنویسد  
که بوقت در طلب این شسته کام آرند  
چه عاشقانه به دیدار آفتاب سافت  
که بیگانه سرخ جام ازادی  
هزار سال دیگر گر ز خاک بر خیزم  
به هر جوین فرستم سلام ازادی  
هزار سال دیگر ندی کسی انسانی  
ز یک ستاره به سوی ستاره ما دیگر  
چو می روند به دیدار هم به بهانی  
ز بیج کسی به جانانده گنوند آنها  
ز قرن پرشور ما ، پیام ازادی

اصلا  
سال  
+ + +